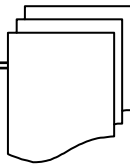




## آزادی اطلاعات؛ با نگاهی بر قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات؛ مصوب ۱۳۸۷

محمد مهدی حکیمی تهرانی\*



**چکیده:** حق قانونی افراد برای به دست آوردن اطلاعات درباره‌ی فعالیت‌های حکومت خود بخشی اساسی از مردم سالاری است. حق دسترسی همگان به اطلاعات رسمی، با عنوان آزادی اطلاعات مطرح می‌شود. اگرچه دسترسی به اطلاعات، نتیجه و محصول آزادی اطلاعات است. بر اساس قوانین آزادی اطلاعات، قانون‌گذار از دولت می‌خواهد که امکان دسترسی به اسناد، مدارک و گزارش‌ها را برای مدت زمان تعیین شده فراهم سازد. البته این حق، بی‌قید و شرط نیست و برای آن، حدود و موازینی پیش‌بینی شده است. در قوانین آزادی اطلاعات و حق دسترسی به اطلاعات، معمولاً اطلاعاتی مانند روابط خارجی، امنیت ملی، مسائل مربوط به فعالیت‌های تجاری و بازرگانی دولت، حکومت، یا اشخاص و نیز امور شخصی افراد استثناء شده‌اند. از اهداف این پژوهش، بررسی مفهوم آزادی اطلاعات و آزادی اطلاع رسانی بوده و سعی شده تا ارتباط آزادی اطلاعات با آزادی مطبوعات و تفاوت آزادی اطلاعات با آزادی اطلاع‌رسانی مشخص شود. مقاله‌ی حاضر با روش نظری و تحلیلی و تطبیق حقوقی میان آزادی اطلاعات در قوانین اساسی ایران و همچنین قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات نگاشته شده است. مجلس شورای اسلامی این قانون را در ششم بهمن ماه سال ۱۳۸۷ تصویب کرد و در تاریخ ۳۱ مرداد ماه سال ۱۳۸۸ مجمع تشخیص مصلحت نظام با الحاق یک تبصره در ذیل ماده‌ی ۱۰، آن را موافق با مصلحت نظام تشخیص داد.

**کلمات کلیدی:** آزادی اطلاعات، آزادی مطبوعات، آزادی اطلاع‌رسانی، وسایل ارتباط جمعی، فن‌آوری اطلاعات، جریان آزاد اطلاعات، محدودیت‌های اطلاع‌رسانی.

\* پژوهشگر گروه فقه و حقوق و ارتباطات پژوهشکده باقرالعلوم (ع)

Email: Mmhtehrani@yahoo.com



## مقدمه:

تاکنون حکومت‌ها بیشتر به خدمات رسانی محدود بوده‌اند تا مردم سالاری تعاملی اما استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات برای بهبود بخشیدن به حکمرانی نیز رو به افزایش است. (یورگنسون، ۱۳۸۶، ج اول، ص ۱۲۳) پس از جنگ جهانی دوم، با ایجاد ملل متحد و استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر، حق برخورداری از اطلاعات گسترش یافت و کشورها قوانین جامعی را برای دسترسی به اسناد و اطلاعات وضع کردند که در اختیار حکومت بود. امروزه در قانون اساسی بیش از چهل کشور جهان، به آزادی اطلاعات اشاره شده و قوانین اجرایی این اصل نیز در قالب‌های قانون دولت شفاف، قانون آزادی اطلاعات، قانون رسانه‌های همگانی، قانون آزادی دسترسی مردم به اطلاعات دولتی، قانون جلسات علنی، قانون اسرار دولتی و قانون آرشیوهای باز تصویب شده است. قوانین مذکور، مفهوم، مصادیق و شیوه‌های تحقق اصل آزادی اطلاعات و حقوق وابسته به آن و استثنائات آنها را مشخص کرده‌اند. گرایش به سمت دسترسی بیشتر به اطلاعات همچنان ادامه دارد. اکنون بسیاری از کشورهای اروپای شرقی و مرکزی آفریقا و آسیا، تهیه و تدوین پیش‌نویس قوانین جامع دسترسی به اطلاعات را در دستور کار خود دارند. (انصاری، ۱۳۸۶، صص ۵۹ و ۶۰)

از دهه‌ی ۱۹۸۰ به بعد، قبول حق آزادی و دسترسی به اطلاعات پیشرفت اساسی داشته است. در حال حاضر بیش از شصت کشور، در این باره قانون تصویب کرده‌اند و ارکان بین‌المللی به طور مداوم آزادی اطلاعات را به عنوان حق بشری به رسمیت می‌شناسند؛ اما بیش از نیمی از کشورهای جهان و حکومت‌های آنان، حق شهروندان خود را برای اطلاع یافتن از فعالیت‌هایشان را نمی‌پذیرند و در بسیاری از کشورها همچنان موانع فراوانی بر سر راه دستیابی به اطلاعات حیاتی وجود دارد. قانون

آزادی اطلاعات در فنلاند در سال ۱۹۵۱، در ایالات متحده سال ۱۹۶۶، در نروژ و دانمارک سال ۱۹۷۰، در فرانسه و هلند سال ۱۹۷۸، در استرالیا و نیوزلند سال ۱۹۸۰ و در کانادا سال ۱۹۸۳ وضع شده است. بعد از میانه‌ی دهه‌ی ۱۹۹۰ فعال‌ترین دوره‌ای بود که کشورها قوانین آزادی اطلاعات را تصویب کردند. به طوری که بیش از دو سوم کشورها قانون خود را در این دوره تصویب کرده‌اند. (یورگنسون، ۱۳۸۶، ج اول، صص ۱۱۲ و ۱۱۳)

آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات، یکی از پر بحث‌ترین مسائل حقوقی بود که به تشکیل همایش جهانی سران درباره‌ی جامعه‌ی اطلاعاتی انجامید و این همایش در دسامبر ۲۰۰۳ در ژنو و در نوامبر ۲۰۰۵ در تونس برگزار شد. برخی این حق را به عنوان هسته‌ی اصلی جامعه‌ی اطلاعات ستوده‌اند و برخی معتقدند در جهان واقعی، یعنی جایی که بیشتر جمعیت جهان به فن‌آوری اطلاعات دسترسی ندارند و حوزه‌ی ارتباطات تحت سلطه‌ی فرهنگ غربی آمریکایی و محتوا تحت سلطه‌ی تمرکز رسانه‌ای غربی آمریکایی با زبان انگلیسی است، بسیاری به اهداف خود نمی‌رسند. (همان، ۱۳۸۶، ج اول، ص ۷۷)

بدون شک نوشتن و چاپ سنتی، شیوه‌ای دیجیتال دارد و به همین سبب، حمل شدنی و بادوام و دقیق است، در حالی که اطلاعات آنالوگ، بی‌دوام و فسادپذیر و مبهم است، ولی نوشتن، حامل بسیار ساده‌ای برای اطلاعات است. درهم آمیختگی تکنولوژی باینری دیجیتال با الکترونیک بود که سرانجام وحدت چیرگی بر اطلاعات و فراوانی اطلاعات را شکل داده است. اطلاعات الکترونیکی دیجیتالی، خود را از کمبودهای اطلاعات دیجیتال قدیمی و از سنگینی و تباه‌سازی واقعیت رها کرده است. به این ترتیب، همچون واقعیت مجازی همه جا حاضر است تا چیزی از دیده‌اش پنهان نماند. (بورگمان، ۱۳۸۸، ص ۲۲۹) امروزه سرعت تحولات فن‌آوری اطلاعات بسیار زیاد است، به طوری که سرعت رایانه‌ها هر یک و نیم تا دو سال دو برابر می‌شود. پهنای باند ارسال اطلاعات هر نه ماه دو برابر

شده و پیش بینی می‌شود که تا یک تریلون بیت بر ثانیه برسد. هر دهه ۵۰٪ فن‌آوری‌ها تغییر می‌کند. نرخ رشد اطلاعات به قدری سریع است که در حال حاضر، حجم اطلاعات در دسترس، هر پنج سال دو برابر می‌شود و در سال ۲۰۱۰ هر ۷۲ روز دو برابر خواهد شد. با استناد به آماري که در گزارش توسعه‌ی انسانی سال ۲۰۰۱ سازمان ملل متحد آورده شده است، در ابتدای قرن بیست و یکم شبکه‌ی اینترنت ۴۰۰ میلیون کاربر داشته است. تحولات فوق‌العاده سریع فن‌آوری اطلاعات و ظهور ابزارهای جدیدتر و ارزان‌تر و با کاربردهای گسترده‌تر بر شیوه‌ی زندگی، رفتار و منش مردم تأثیر می‌گذارند. کاربردهای فن‌آوری اطلاعات نیز به سرعت گسترش ابزارها در حال تحول است. در عصری زندگی می‌کنیم که هر تحول کوچک خود منشأ تحولات بزرگ‌تر است. (نبوی فتاحی و تجدد، ۱۳۸۶، ص ۶۸)

البته باید به این نکته اشاره کرد که برخلاف جهان صنعتی که وسایل جدید ارتباط جمعی را خود پدید آورد و در بطن جامعه‌ی خویش شاهد گسترش آرام و مداوم آنان بود، جهان سوم در برابر هجوم این وسایل از خارج و آن هم به صورت یک باره و در برهه‌ای کوتاه از زمان قرار دارد. علاوه بر این، توجه به دو جهان توسعه نیافته و در حال توسعه از دیدگاه وسایل ارتباط جمعی، نشان دهنده‌ی نابرابری آنان است. یکی از شاخص‌های این نابرابری، تمرکز اطلاعات و اخبار در کشورهای صنعتی است. در حال حاضر، چهار کشور صنعتی فرانسه، انگلستان، روسیه و آمریکا صاحب بزرگ‌ترین مراکز خبری در جهانند. (کازنو، ۱۳۸۷، صص ۳۴۲ و ۳۴۳) قبل از ظهور اینترنت، جنگ اطلاعات، جنگی بود که میان قدرت‌های بزرگ در می‌گرفت. با همه‌گیر شدن اینترنت و در دسترس قرار گرفتن سیستم‌های ارتباطی جهانی و منابع عظیم ابزارهای نرم‌افزاری، جنگ اطلاعات به صورتی درآمدی است که تقریباً هرکسی می‌تواند آغازگر آن باشد. (اربسکلاو، ۱۳۸۷، ص ۲)

اعلامیه‌ی سال ۲۰۰۳ همایش جهانی سران درباره‌ی جامعه‌ی اطلاعات از طریق نمایندگان مردم جهان، منظری را برای جامعه‌ی اطلاعات خلق کرد. در جامعه‌ی اطلاعاتی مردم مدار، پذیرنده، دارای جهت‌گیری توسعه، که در آن، هرکسی بتواند اطلاعات و آگاهی را بیافریند و به کار برد و به آن دسترسی داشته باشد و در آن سهمیم شود، افراد و مردم را قادر می‌سازد تا با توان کامل خویش، پیشبرد توسعه‌ی پایدار و بهبود بخشیدن به کیفیت زندگی خود را دست یابند.

به همین دلیل، اعلامیه قبول بی‌قید و شرط اهمیت بنیادین حقوق بشر و تنوع فرهنگی را بیان می‌کند. به علاوه، اصول اصلی آن، ملت‌های جهان را متعهد می‌سازد که با دسترسی به اطلاعات و آگاهی، جامعه‌ای در برگرفته را، به قصد ایجاد وضعیت مبتنی بر بهتر زیستن شخصی و افزایش ثروت اقتصادی به عنوان یک معیار توسعه، بر پا دارند.

پیشنهاد‌های اولیه‌ی اعلامیه بر نقش فن‌آوری رایانه، به عنوان زیر ساخت مهم برای تحقق جامعه‌ی اطلاعات متمرکز بود. علاوه بر این، این اعلامیه اهمیت کتابخانه‌ها را به عنوان حاملان محتوای اطلاعات و آسان‌کنندگان راه دسترسی به اطلاعات و استفاده‌ی انسان‌ها از آنها از راه‌های گوناگون می‌پذیرد. کتابخانه‌ها با اشکال گوناگون خود، در همه‌ی سطوح جامعه در سراسر جهان نفوذ می‌یابند. بنابراین زیرساختی پایه‌ای، اطلاعات رسانی را شکل می‌دهد که احتمال دارد با فن‌آوری اطلاعات تقویت شوند و به نوعی آسان‌کننده‌ی مهم دسترسی به جامعه‌ی اطلاعات بدل شوند. (یورگنسون، ۱۳۸۶، ج اول، صص ۱۲۹ و ۱۳۰)

در ایران پس از انقلاب مشروطیت، که نخستین جنبش مردم سالاری و آزادی‌گرایی کشورهای شرق، پیش از چین و ترکیه به شمار می‌رود، به آزادی اطلاعات و آزادی بیان و مطبوعات توجه شد و به همین دلیل در اولین قانون اساسی کشور و همچنین متمم آن، اصول ویژه‌ای برای آن در نظر گرفته شد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم که پس از پیروزی دومین انقلاب ایران تدوین و تصویب شد، اصول خاصی برای

این آزادی‌ها پیش‌بینی شد. اما با وجود آن، باز هم وجود خلأهای قانونی در این زمینه احساس می‌شد، تا اینکه قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، در سال ۱۳۸۷ در مجلس شورای اسلامی تصویب شد. این قانون ۲۳ ماده و ۷ تبصره دارد، در جلسه‌ی علنی روز یکشنبه، ششم بهمن ماه ۱۳۸۷ در مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در تاریخ ۳۱ مرداد ماه ۱۳۸۸ مجمع تشخیص مصلحت نظام با الحاق یک تبصره ذیل ماده‌ی ۱۰ آن را موافق با مصلحت نظام تشخیص داد.

### مفهوم آزادی اطلاعات:

آراء و دیدگاه‌های گوناگون درباره‌ی اطلاعات ممکن است با برداشت‌های گوناگون از این پدیده مرتبط باشد. در زبان لاتینی قرون وسطی واژه‌ی «informatio» به معنای انگاره، آموزش و شکل‌دهی بود، در حالی که در زبان فرانسوی کلمه‌ی «information» به شکل مفرد «uneinformation» (یک انفورماسیون) به کار می‌رفت و به معنای پردازش و گردآوری اطلاعات بود. در کاربرد متداول و روزانه، اطلاعات با وضعیت انسان، با رسانه‌ی ارتباطی، با چیزی که می‌تواند اضافه و یا انباشته شود، با چیزی واقعی که سودمند و یا بی‌ثمر است و یا با دانش همراه است. بنابراین گفته می‌شود، اطلاعات، خوب است و اطلاعات بیشتر بهتر است، اطلاعات، قدرت است، اطلاعات از دست رفت و کتاب، نامه، روزنامه و همایش، اطلاعاتی را به همراه دارند. (مولانا، ۱۳۸۷، ص ۶۲) بنابراین اطلاعات، مفهومی است که به کمک آن، انسان حقیقت یا ذهنیتی را درک و یا بیان می‌کند. مفهوم اطلاعات در سازمان‌ها پیچیده‌تر از مفهوم رایج آن در استفاده از این واژه است. اطلاعات، داده‌هایی است که پردازش، سازمان‌دهی و ترکیب شده‌اند تا آگاهی بیشتری را به فرد منتقل کنند. اطلاعات به شکل درک شونده برای گیرنده پردازش می‌شود و ارزش خاصی برای شرایط یا موقعیت تصمیم‌گیرنده دارد. اطلاعات، خواه

به شکل پرونده‌ی موجود در یک پایگاه و یا کتاب و اسناد در یک کتابخانه و یا به صورت اعداد در حافظه‌ی رایانه می‌تواند مفهومی را منتقل کند و آن آگاهی دادن به کاربران در زمینه‌های مورد نظرشان است. (جزئی، ۱۳۸۵، ص ۴۲)

آزادی اطلاعات،<sup>۱</sup> اصطلاحی است که نخستین بار در ایالات متحده آمریکا به کار برده شده و با توجه به محتوای خود، تا اندازه‌ای گمراه کننده است. شاید تصور شود منظور از این اصطلاح، آزادی دسترسی به همه‌ی انواع اطلاعات است، اما این تصور، درست نیست. منظور از آزادی اطلاعات، حق دسترسی افراد به اطلاعات موجود در دستگاه‌ها و مؤسسات عمومی است. در قانون برخی کشورها عنوان دقیق‌تری درباره‌ی این نوع آزادی به کار می‌رود که نشان‌دهنده‌ی محتوای آن است. برای مثال، فرانسه از عنوان آزادی دسترسی به اسناد اداری و کانادا از عنوان دسترسی به اطلاعات استفاده کرده است. حق دسترسی به اطلاعات، نتیجه و محصول آزادی اطلاعات و به تعبیری، آزادی اطلاعات چهار چوب‌بندی شده است. منظور از حق دسترسی به اطلاعات،<sup>۲</sup> آن است که هر یک از اعضای جامعه در هر زمان بتواند تقاضای دسترسی به اطلاعاتی را داشته باشد که در یکی از مؤسسات عمومی و گاه خصوصی نگهداری می‌شود و آن مؤسسه تنها با توجه به دلایل پذیرفته شده و مشخص بتواند درخواست وی را رد کند. (انصاری، ۱۳۸۷، ص ۲۶) حق دسترسی به اطلاعات موجود در مؤسسات حکومتی، یکی از لوازم اصلی آزادی‌های بیان و مطبوعات قلمداد می‌شود، زیرا مهم‌ترین وسیله‌ی حقوقی در تهیه‌ی اطلاعات لازم و دقیق برای به کارگیری آزادی‌های مذکور به شمار می‌رود. با وجود این، آزادی اطلاعات با آزادی‌های بیان و مطبوعات، مترادف نیست و مفهوم متفاوتی دارد. در بسیاری از اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی مربوط به حقوق مدنی و سیاسی، از آزادی اطلاعات به عنوان

1 - Freedom of Information (E) / Liberte de l'Information (F).

2 - Right to Information.



یکی از مهم‌ترین مقدمات آزادی بیان نام برده شده است و این دو آزادی از یکدیگر جدا ناپذیر شناخته شده‌اند. لذا اشخاصی که حق آزادی بیان دارند حق دسترسی به اطلاعات را نیز باید داشته باشند. اما نباید فراموش کرد که دسترسی به اطلاعات لزوماً به قصد بیان آنها صورت نمی‌گیرد و بیان تنها یکی از کارکردهای آن است. لذا آزادی اطلاعات، مسئله‌ای است که باید جدا از آزادی بیان، از آن حمایت شود و تنها به استفاده از حمایت‌های آزادی بیان درباره‌ی حق دسترسی به اطلاعات، بسنده نشود. علاوه بر این، آزادی بیان یکی از آزادی‌های مدنی و سیاسی است که تنها شهروندان و اشخاص و حقوق خصوصی از آن استفاده می‌کنند. چون آزادی بیان، متضمن بیان و عدم بیان است؛ جزء دوم آن سبب می‌شود که مقامات حکومتی و اشخاص حقوق عمومی از شمول آزادی مذکور خارج باشند. آنها تکلیف به بیان دارند و برخلاف شهروندان، حق سکوت ندارند. آزادی اطلاعات، تعبیری است درباره‌ی بیان اطلاعات از زبان حکومت، ولی هنگامی که حکومت اطلاعاتش را در دسترس مردم قرار می‌دهد نمی‌توان گفت که از آزادی بیان استفاده می‌کند. او فقط به تکلیف خود درباره‌ی اطلاع‌رسانی عمل می‌کند. به کارگیری حق دسترسی به اطلاعات بر مبنای آزادی اطلاعات، جنبه‌ی فردی دارد. مطبوعات در برخورداری از این آزادی با شهروندان برابر هستند و در واقع همانند یکی از اشخاص حقوق خصوصی حق دسترسی به اطلاعات دولتی را دارند. با وجود این، مطبوعات به طور طبیعی به قصد انتشار اطلاعات، برای دسترسی به آنها می‌کوشند، در حالی که در چهارچوب آزادی اطلاعات، ممکن است دسترسی به اطلاعاتی، مجاز، ولی انتشار آنها ممنوع باشد. (انصاری، ۱۳۸۶، صص ۲۹ و ۳۰)

### ارتباط آزادی اطلاعات و آزادی مطبوعات<sup>۱</sup>

در اصل بیست و چهارم قانون اساسی، درباره‌ی آزادی نشریات و

1. Freedom of the press. Liberty if the press.



مطبوعات آمده است که: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می‌کند.» مراد قانون اساسی از مطبوعات، نشریه‌های ادواری، کتاب و به طور کلی هر چیزی است که محصول چاپ است و بالاتر از آن، هر چه که وسیله‌ی انتقال پیام و اطلاعات است. (قانع، ۱۳۸۵، ص ۷۲) همچنین در قانون مطبوعات سال ۱۳۶۴ در تعریف مطبوعات آمده است: فصل اول: تعریف مطبوعات.

مطبوعات در این قانون عبارت‌اند از نشریاتی که به طور منظم با نام ثابت و تاریخ و شماره‌ی ردیف در زمینه‌های گوناگون خبری، انتقادی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، کشاورزی، فرهنگی دینی، علمی، فنی، نظامی، هنری، ورزشی، و نظایر اینها منتشر می‌شوند. طبق این تعاریف، مطبوعات شامل نشریات الکترونیکی و نشریات دیجیتالی نیز می‌شود. این نشریات همان‌گونه که تبصره‌ی ماده‌ی یک آیین‌نامه‌ی اجرایی قانون مطبوعات مصوب ۱۳۸۱ بیان نموده، عبارتند از نشریاتی که در محیط دیجیتال با همان صورت شرایط و ظواهر یک نشریه‌ی چاپی و طی فرایند فعالیت مرسوم روزنامه نگاری و تحریریه‌ای، تولید و به طور منظم و با نام ثابت و تاریخ و شماره‌ی ردیف معینی در یک یا چند زمینه‌ی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تولید و منتشر می‌شود. (اسلامی، ۱۳۸۸، ص ۵۳۲)

از نظر حقوقی معمولاً دو تعریف عام و خاص برای آزادی مطبوعات در نظر گرفته می‌شود:

#### الف - آزادی مطبوعات به معنای عام:

آزادی مطبوعات به طور عام، جستجو، گردآوری و کسب آزاد اخبار و اطلاعات و عقاید عمومی، انتقال و خبر رسانی آزاد آنها، انتشار آزاد روزنامه‌ها و پخش آزاد برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، دریافت و مطالعه‌ی آزاد مطبوعات و دریافت آزاد برنامه‌های یاد شده را در بر می‌گیرد. به این ترتیب، آزادی فعالیت خبرنگاران، انتشار آزاد روزنامه‌ها و



مجله‌های گوناگون به دست افراد و مؤسسات و گروه‌های سیاسی و غیرسیاسی و پخش آزاد و بی‌طرفانه و واقع‌بینانه‌ی برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی و انعکاس آزاد افکار و عقاید عمومی در مطبوعات و سایر وسایل ارتباط جمعی، از شرایط اساسی آزادی مطبوعات محسوب می‌شوند. آزادی مطبوعات در این معنای وسیع، اکنون به عنوان آزادی اطلاعات یا آزادی ارتباطات معرفی می‌شود. در عصر حاضر، دیگر صرف بیان آزادی‌ها، پاسخ‌گوی نیازهای اجتماعی انسان نیست و ایجاد امکانات لازم برای بهره‌برداری از آزادی‌ها به عنوان حقوق مسلم بشری نیز ضروری شده است. به همین سبب، به جای آزادی مطبوعات یا آزادی اطلاعات به طور عام، در اعلامیه‌ها و پیمان‌ها و عهدنامه‌های حقوقی بین‌المللی و قوانین اساسی جدید، از حق استفاده از اطلاعات یا به طور گسترده‌تر از حق ارتباط و الزام دولت‌ها به تأمین این‌گونه حقوق سخن گفته شده است. بنابراین اگر دولت‌ها نتوانند همه‌ی شرایط لازم برای برخورداری افراد از حق ارتباط و از آن جمله تأمین اطلاعات صحیح و مشارکت آنان را در آفرینش‌های فرهنگی مانند کتاب‌ها، روزنامه‌ها، برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی و فیلم‌های سینمایی فراهم سازند، باید حداقل از ایجاد هرگونه محدودیتی که ممکن است در راه تأمین آزادی مطبوعات به معنای خاص ایجاد شود، خودداری کنند.

#### ب - آزادی مطبوعات به معنای خاص:

آزادی مطبوعات به طور خاص، نشر آزاد روزنامه‌ها، بدون هیچ‌گونه محدودیت و نظارت قبل از انتشار، توقیف و تعطیل نکردن خودسرانه‌ی آنها بعد از انتشار، پیش‌بینی دقیق ضوابط مسئولیت‌های قانونی نشریات و رسیدگی به تخلفات و جرایم احتمالی آنان در دادگاه‌های عادی با حضور هیأت منصفه را در بر می‌گیرد که با رعایت اصل تعدد و تنوع نشریات، از جهت سیاسی و مسلکی و حفظ استقلال آنها در برابر صاحبان ثروت و قدرت، استوارتر می‌شود. (معتمد نژاد، ۱۳۸۷، صص ۲۴ و ۲۵)

به طور کلی آزادی مطبوعات، که معمولاً به معنای توانایی انتشار آزاد اخبار و عقاید، در روزنامه‌ها و مجله‌ها معرفی می‌شود و از نظر تاریخی و حقوقی، نوعی آزادی فردی کلاسیک در مجموعه آزادی‌های بنیادی و عمومی به شمار می‌رود، در دهه‌های اخیر دامنه‌ی گسترده‌تری پیدا کرده است و وسایل ارتباطی جدید، مانند سینما، رادیو و تلویزیون و اینترنت را هم، که در کنار روزنامه‌ها و مجله‌ها، به انتقال اطلاعات و اندیشه‌ها می‌پردازند، در بر گرفته است. لذا مفهوم قدیمی آزادی مطبوعات دیگر تمام این وسایل را در بر نمی‌گیرد و در این باره باید از مفهوم جدید آزادی اطلاعات استفاده کرد.

واژه‌ی آزادی اطلاعات برای نخستین بار در دوره‌ی پیش از جنگ جهانی دوم، در جامعه‌ی ملل مطرح شده بود. (معتمد نژاد، و معتمد نژاد، ۱۳۸۶، ج اول، ص ۱۶۶) به این واژه بعد از تأسیس سازمان ملل متحد، در کنفرانس بین‌المللی آزادی اطلاعات، که این سازمان آن را در سال ۱۹۴۸ در ژنو تشکیل داد، توجه خاص شد. طبق تعریفی که در یکی از قطعنامه‌های مجمع عمومی ملل متحد درباره‌ی برگزاری این کنفرانس و آزادی اطلاعات بیان شده است؛ این آزادی شامل توانایی جست‌وجو، انتقال، انتشار و دریافت آزاد آگاهی‌ها و اندیشه‌هاست. بنابراین آزادی اطلاعات، آزادی مطبوعات را نیز در بر می‌گیرد و حمایت حقوقی مورد نظر از این آزادی، تمام گذرگاه خبرها و اندیشه‌ها از منشأ اصلی آنها تا رسیدن به مخاطب نهایی، یعنی خواننده‌ی مطبوعات و شنونده‌ی رادیو و بیننده‌ی تلویزیون را نیز در بر می‌گیرد. به عبارت دیگر، آزادی اطلاعات، آزادی فعالیت روزنامه‌نگاران در مرحله‌ی جست‌وجو و گردآوری اخبار و عقاید و انتقال آنها به خبرگزاری‌ها و سایر مراکز خبری و انتشار آنها در مطبوعات و فرستنده‌های رادیویی و تلویزیونی، فیلم‌های خبری و سینمایی، پایگاه‌های اطلاعاتی و خبری اینترنتی و همچنین آزادی مخاطبان در دریافت پیام‌های وسایل ارتباطی مذکور را در بر می‌گیرد. (همان)

در نتیجه درباره‌ی آزادی اطلاعات، مانند آزادی مطبوعات به معنای



اخص آن، فقط از آزادی انتشار اخبار و عقاید حمایت نمی‌شود، بلکه به آزادی جست‌وجو و انتقال و دریافت آنها هم توجه می‌شود. لذا آزادی اطلاعات مترادف آزادی مطبوعات نیست و یکی از انواع فرعی آن و حتی از انواع آزادی که در کنار آن قرار دارد، هم به شمار نمی‌رود. بلکه شکل گسترش یافته‌ی همان مفهوم کلاسیک آزادی مطبوعات است. روزه کلسوس<sup>۱</sup>، محقق بلژیکی ارتباطات، در این باره گفته است: «...گسترش مفهوم آزادی مطبوعات، به آزادی اطلاعات، در سال‌های اخیر در چند جهت صورت گرفته است:

۱. آزادی بیان و اطلاعات برای مطبوعات و همچنین تمام تکنیک‌های سمعی و بصری؛

۲. آزادی گردآوری اخبار، همراه با دسترسی آزادانه به محل وقوع اخبار و جریان آزاد آنها (آزادی اطلاعات)؛

۳. آزادی دریافت و همچنین انتشار اخبار (آزادی اطلاع رسانی)؛

۴. مسئولیت حرفه‌ای، شرایط آزادی بدون سوء استفاده و تبدیل اطلاعات به نوعی خدمت برای منافع عمومی...» (معمدنژاد و معتمدنژاد، ۱۳۸۶، ج اول، ص ۱۶۷)

بنابراین باید گفت که در دهه‌های اخیر، در حقوق فرانسه از مفهوم وسیع آزادی اطلاعات که جانشین آزادی مطبوعات، به معنای عام آن، شده است، دو مفهوم جدید آزادی اطلاع‌رسانی و آزادی اطلاعات، به معنای خاص، ایجاد شده است. لذا باید هر کدام از این مفاهیم را به طور جداگانه بررسی کرد.

### الف - آزادی اطلاع رسانی:

آزادی اطلاع رسانی<sup>۲</sup> که همکاران و گردانندگان وسایل ارتباط جمعی، از آن برای اطلاع رسانی به خوانندگان، شنوندگان، بینندگان و کاربران بهره

1. Roger Clause. (استاد و مدیر مرکز ملی مطالعات فنون انتشار جمعی دانشگاه آزاد بلژیک).

2. Liberte Information (F).

می‌گیرند، یکی از شکل‌های ویژه و نو مفهوم وسیع و قدیمی آزادی بیان است که بیش از دو قرن پیش در ماده‌ی ۱۱ اعلامیه‌ی حقوق بشر و شهروند انقلاب کبیر فرانسه<sup>۱</sup> به عنوان یکی از گران‌بهاترین حقوق انسانی به رسمیت شناخته شده است. (همان)

بنابراین با توجه به گستره‌ی منطقی مفهوم آزادی بیان و شرایط فعالیت انحصاری مطبوعات در محیط آزادی‌گرای دو قرن گذشته‌ی کشورهای غربی، می‌توان آن را برای اطلاع دادن و بیان وقایع از راه سایر وسایل ارتباطی نیز معتبر شناخت. اما در حال حاضر که آزادی بیان علاوه بر مطبوعات، از تکنیک‌های نیرومند ارتباطی دیگر هم استفاده می‌کند، آزادی اطلاع‌رسانی و به عبارت دیگر، آزادی انتشار فرآورده‌های فکری در میان مخاطبان وسیع وسایل ارتباط جمعی، اهمیت ویژه پیدا کرده است و بیش از آزادی مطبوعات به معنای خاص آن، که فقط نشریات دوره‌ای را در بر می‌گیرد، به آن توجه شده است. نظریه‌ی آزادی‌گرای غربی که برای تأمین حداکثر احترام به آزادی اطلاع‌رسانی بیان شده، سه اصل دارد که عناصر این آزادی را نیز تشکیل می‌دهند؛ این اصول عبارتند از:

#### ۱- اصل آزادی فعالیت مؤسسات ارتباطی برای آزادی اطلاع‌رسانی:

ما در مورد دیگران اطلاعاتی را جست‌وجو می‌کنیم و در مورد خودمان نیز اطلاعاتی می‌دهیم. بنابراین یک جنبه مهم از ارتباطات، درگیر تبادل اطلاعات شخصی می‌شود. تعدادی از نظریه‌های ارتباطات نیز به این مسئله توجه می‌کنند. (لیتل جان، ۱۳۸۴، ص ۵۸۱) یکی از اصول مهم آزادی اطلاع‌رسانی، تحقق نظریه‌ی آزادی فعالیت اقتصادی درباره‌ی مؤسسات ارتباطی است. به همین جهت در کشورهایی که اقتصاد آزاد دارند، اصل آزادی ابتکار و رقابت که درباره‌ی تمام فعالیت‌های صنعتی و بازرگانی به کار می‌رود، درباره‌ی ارتباطات نیز رعایت می‌شود. در بند دوم ماده‌ی یک قانون

1. La Declaration Francaise des Droits de l'Homme et du Citoyen, 1789.

انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، مصوب ۱۳۸۷، درباره‌ی مؤسسات عمومی و خصوصی ارتباطی آمده است که مؤسسات عمومی، سازمان‌ها و نهادهای وابسته به حکومت به معنای عام کلمه شامل تمام ارکان و اجزای آنکه در مجموعه قوانین جمهوری اسلامی ایران آمده است، می‌شود و مؤسسات خصوصی را مؤسسه‌ای می‌داند که هر مؤسسه‌ی انتفاعی و غیرانتفاعی، به استثناء مؤسسات عمومی را در بر می‌گیرد.

لذا مؤسسات ارتباطی هم باید بر اساس اصول حقوق وضع شده و در قالب قوانین حاکم بر تمام مؤسسات اقتصادی تشکیل شوند و اقدامات مربوط به تأسیس و فعالیت آنها کاملاً آزاد باشد. اجرای اصل آزادی فعالیت اقتصادی درباره‌ی مؤسسات ارتباطی نیازمند آن است که اصولاً این‌گونه مؤسسات از کسب هرگونه اجازه‌ی قبلی و از سپردن هر نوع تضمین مالی معاف باشند. به عبارت دیگر، در این باره باید از اجرای نظام احتیاطی و پیش‌گیری که برای تأسیس و فعالیت مؤسسات ارتباطی شرایط خاصی قائل می‌شود، خودداری شود و نظام تعقیبی و تنبیهی که پس از تأسیس این مؤسسات، به جنبه‌های غیر قانونی فعالیت آنها توجه می‌کند، به کار گرفته شود.

## ۲- اصل محدودیت‌های آزادی اطلاع رسانی بر اساس قانون:

دومین عنصر تشکیل‌دهنده‌ی آزادی اطلاع‌رسانی، بر قبول این اصل که محدودیت‌های به کارگیری این آزادی را فقط باید قانون مشخص کند، استوار است. با توجه به مسئولیت‌های وسایل ارتباط جمعی در برابر فرد و جامعه، ضرورت وجود محدودیت‌های این آزادی به صورت اصلی کلی درآمده است و درباره‌ی آن اتفاق نظر وجود دارد. البته بر اساس نظریه‌ی آزادی‌گرایی، محدودیت‌های کم و بیش وسیع و شدید آزادی اطلاع رسانی را فقط باید قانون‌گذار تعیین کند و به طور دقیق در متن قوانین به

آنها اشاره شود. قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، مصوب ۱۳۸۷ و آیین نامه‌ی اجرایی آن یکی از قوانینی است که در ایران محدودیت‌ها و حق و تکلیف‌هایی را برای اطلاع‌رسانی مقرر بیان کرده است و مؤسسات عمومی و خصوصی ارتباطی که به اطلاع‌رسانی می‌پردازند، باید بر اساس آن عمل کنند. در ماده‌ی ۲ این قانون آمده که: هر شخص ایرانی حق دسترسی به اطلاعات عمومی را دارد، مگر آنکه قانون منع کرده باشد. استفاده از اطلاعات عمومی یا انتشار آنها تابع قوانین و مقررات مربوط خواهد بود.

برای مثال، با جستجو در اینترنت و گردآوری اطلاعات شخصی از سایت‌های مختلف می‌توان در زمانی کمتر از ۲۰ دقیقه به اطلاعات حساس اشخاص دست یافت. مثلاً می‌توان به سایت ارزیابی اموال در اداره‌ی دارایی وارد شد و میزان ارزیابی اموال غیر منقول یا منقول شخص مورد نظر را دید. در این سایت میزان معافیت و چگونگی معافیت مالیاتی آن شخص اعلام شده است. در این باره آشنایان یا همسایگان که از وضعیت آن شخص آگاهی بیشتری دارند، از تخلف مالیاتی آن شخص آگاه می‌شوند. حتی اگر کسی نام همسایه‌ی خود را نداند، می‌تواند با ورود به سایت‌های معین از هویت همسایگان خود آگاه شود و کنجکاو و یا کینه‌توزی خود را با جست‌وجوهای دیگر ادامه دهد. بنابراین، ضروری است تا اطلاعات خصوصی اشخاص از آزادی اطلاعات استثناء شوند. در این باره حقوق حمایت داده‌ها، روابط و اعمال و حقوق و تکالیف این بخش را تنظیم می‌کند. (نوری و نخجوانی، ۱۳۸۳، ص ۲۵) لذا بعضی از نویسندگان معتقدند که هیچ اطلاعاتی بدون سوء استفاده از اطلاعات وجود خارجی ندارند و امروزه نوع جدیدی از سوء استفاده از اطلاعات در حال سربرآوردن است که ماهیت آن به طور کامل با سانسور داوطلبانه متفاوت است. در اینجا، خطر جدید و عمده‌ای در مقابل انسانیت قد برافراشته که منشأ و ریشه‌ی آن در رایانه‌ها و محتوای وسایل چندرسانه‌ای است. (ویریلیو، ۱۳۸۸، ص ۲۴۳) همچنین در هنگام گزینش اخبار و



اطلاعات، ساخت وسیله‌ی ارتباطی در برخی از موارد به گونه‌ای است که به تعقیب آشکار خبرنگار، ویراستار خبر و به طور کلی تمامی دست‌اندرکاران واحد توجه می‌شود. در این شرایط باید جزئیات اخبار و اطلاعات انتشار پذیر را بازبینی کرد. این شیوه در اصطلاح، سانسور خوانده می‌شود که شیوه‌ی مقابل آن، شیوه‌های باز و بدون کنترل از خارج وسایل ارتباط جمعی است. (ساروخانی، ۱۳۸۸، ص ۶۸)

### ۳- اصل لزوم کمک دولت:

برای تأمین شرایط آزادی اطلاع‌رسانی دولت باید به مؤسسات ارتباط جمعی و به ویژه مطبوعات کمک کند. البته دولت‌ها معمولاً بدون اینکه اصل آزادی فعالیت مؤسسات را نپذیرند، حمایت از این مؤسسات را که به نظر آنها پاسخ‌گوی منافع عمومی هستند، از جمله وظایف خود می‌دانند و از نظر اقتصادی به طور مستقیم به آنها کمک می‌کنند. علاوه بر این، دولت‌ها با توجه به خدمات عمومی مؤسسات ارتباط جمعی می‌توانند به شیوه‌های گوناگون مخارج سنگینی را که برای این مؤسسات و مخصوصاً مطبوعات ایجاد می‌شود، کاهش دهند. معافیت‌ها و تخفیف‌های مالیاتی و گمرکی و امتیازات تخفیفی خاص درباره‌ی بهای کاغذ و نرخ‌های حمل و نقل پستی و ارتباطات تلگرافی و تلفنی، از جمله کمک‌های غیر مستقیم دولت‌ها به مؤسسات ارتباط جمعی به شمار می‌روند. این کمک‌ها افزون بر آنکه برخی از مؤسسات مطبوعاتی را از مشکلات مالی و ورشکستگی احتمالی نجات می‌دهند، آزادی انتخاب افراد برای مطالعه‌ی روزنامه‌ها یا مجله‌های مورد علاقه‌ی خودشان را نیز حداقل به طور نسبی حفظ می‌کنند. در نتیجه سومین عنصر تشکیل‌دهنده‌ی آزادی اطلاع‌رسانی، برخلاف دو عنصر دیگر، نوعی آزادی گرایشی جدید را جانشین آزادی گرایشی قدیم می‌کند. زیرا دولت با کمک به وسایل ارتباط جمعی، از حالت قدرت نیرومندی که افراد برای حفظ و حراست آزادی‌ها باید در برابر آن به دفاع پردازند، خارج می‌شود و به صورت عاملی که آزادی‌ها به کمک



آن تأمین و تضمین می‌شوند، جلوه‌گر می‌شود.

### ب - آزادی اطلاعات به مفهوم خاص آن:

آزادی اطلاعات به معنای جست‌وجو و گردآوری، انتقال، انتشار و دریافت آزاد اخبار و عقاید، از شرایط اساسی آزادی اطلاع رسانی است؛ زیرا آزادی اطلاع رسانی به مخاطبان وسایل ارتباط جمعی، در صورتی که مؤسسات اداره‌کننده‌ی این وسایل برای تهیه و تأمین مواد اولیه‌ی فعالیت‌های آنها، یعنی اطلاعات و اخباری که همگان به آنها نیاز دارند، محدودیت ایجاد کنند، مفهوم خود را از دست می‌دهد. طبق ماده‌ی ۲ قانون آزادی اطلاعات، هر شخص ایرانی حق دسترسی به اطلاعات عمومی را دارد، مگر آنکه قانون جلوگیری کرده باشد. برای ایجاد فضای آزادی اطلاعات نیز می‌توان عناصری را به شرح زیر برشمرد:

#### دسترسی آزاد به رویدادها<sup>۱</sup>:

آزادی اطلاعات، در صورتی که دسترسی خبرنگاران به محل رویدادها و منبع اخبار محدود باشد و یا آنکه خبر نگاران از حق گردآوری خبرها در محل رویدادها محروم باشند، شکل نخواهد گرفت. زیرا در هر کدام از این دو حالت، آزادی اطلاعات از میان می‌رود و در این صورت تنها اطلاعاتی که منابع صاحب اطلاع درباره‌ی رویدادها می‌دهند و غالباً هم اطمینان آور نیستند، در اختیار وسایل ارتباط جمعی قرار می‌گیرند. نباید فراموش کرد که اجرای اصل دسترسی آزاد به محل رویدادها و منبع اخبار، چه در صحنه‌ی داخلی و چه در صحنه‌ی روابط خارجی، اغلب با دشواری‌های فراوانی روبرو است و به آسانی صورت نمی‌پذیرد.

در نتیجه باید گفت هر نظام اطلاعاتی برای اینکه کاربردی باشد باید به گونه‌ای طراحی شده باشد که هنگام نیاز، اطلاعاتش در دسترس باشد. البته این به این معنی است که باید رایانه‌های ذخیره ساز و پردازشگر اطلاعات

1. Libre Acces a l'Eve ne ment.

و مراقبت‌های امنیتی حفاظت‌کننده از آن اطلاعات و همچنین کانال‌های ارتباطی که از آنها برای دسترسی به اطلاعات استفاده می‌شود، درست کار کنند. بنابراین نظام‌های با دسترسی بالا باید چنان طراحی شوند که در تمام زمان‌ها در دسترس باشند و حتی به دلیل قطع برق و از کار افتادن سخت‌افزارها و روز آمد سازی سیستم‌ها در خدمات‌دهی بی‌نظمی پیش نیاید. برای اطمینان بخشی به دسترسی، باید از حملات رد خدمات نیز جلوگیری کرد. در عین حال گاهی لازم است دسترسی به اطلاعات محدود شود. دسترسی به بانک اطلاعات تلفن‌های خانگی یا بانک اطلاعات کد ملی افراد یا بانک اطلاعات نشانی محل سکونت افراد نباید به طور آزاد در دسترسی همه قرار گیرد. (شهریاری، ۱۳۸۹، صص ۹۳ و ۹۴)

در ماده‌ی ۵ قانون آزادی اطلاعات ما هم درباره‌ی حق دسترسی به اطلاعات آمده که مؤسسات عمومی باید اطلاعات موضوع این قانون را در حداقل زمان ممکن و بدون تبعیض در دسترس مردم قرار دهند. و طبق تبصره‌ی این ماده‌ی اطلاعاتی که در بردارنده‌ی حق و تکلیف برای مردم است، باید علاوه بر موارد قانونی موجود، از راه انتشار و اعلان عمومی و رسانه‌های همگانی به آگاهی مردم برسد. همچنین طبق ماده‌ی ۷، مؤسسه‌ی عمومی نمی‌تواند از فرد خواستار دسترسی به اطلاعات، هیچ‌گونه دلیل یا توجیهی برای تقاضایش بخواهد و در ماده‌ی ۸ نیز آمده که مؤسسه‌ی عمومی یا خصوصی باید به درخواست دسترسی به اطلاعات، در سریع‌ترین زمان ممکن پاسخ دهد و در هر صورت، زمان پاسخ نمی‌تواند حداکثر بیش از ۱۰ روز از زمان دریافت درخواست باشد.

### جریان آزاد اطلاعات<sup>۱</sup>:

انتقال و خبررسانی و جریان یافتن آزاد اخبار، از شرایط ضروری اطلاع رسانی است. به همین دلیل اگر خبرنگاران نتوانند گزارش‌های خبری خود

1. Free Flow Information.

را از طریق وسایل مخابراتی مثل تلگراف، تلکس، تلفن، فکس و رایانه به مؤسسات ارتباط جمعی برسانند، دسترسی آزاد به محل رویدادها نیز بیهوده است، زیرا در این صورت، مخفی ماندن و منتشر نشدن اخبار به تازگی آن آسیب می‌زند و خود به خود، باعث از میان رفتن اطلاعات می‌شود.

باید در نظر داشت که تضمین دسترسی آزاد به محل رویدادها و منبع اخبار و همچنین انتقال و خبررسانی و جریان آزاد اخبار، وجود محیط آزاد است و تنها با پیش‌بینی این آزادی‌ها در متن‌های قانونی و رسمی، شکل پذیر نیستند. چون در بسیاری موارد، مقام‌های صاحب قدرت با وجود احترام ظاهری به انتشار آزاد اطلاعات که در قوانین اساسی و اعلامیه‌های حقوق بشر پیش‌بینی شده‌اند، در فرایند جست‌وجوی آزاد اطلاعات و انتقال و انتشار و جریان آزاد آنها دخالت می‌کنند و تصمیمات محدود کننده می‌گیرند. ممنوع بودن مراجعه‌ی خبرنگاران به مقام‌ها و مراجع دولتی، ممنوع بودن مسافرت و نیز ممنوع بودن آنان از خبررسانی از جمله محدودیت‌های مهم آزادی اطلاعات در تمام جوامع به شمار می‌روند و شیوه‌های خاص مقام‌های حکومتی بسیاری از کشورها برای استناد به ضرورت حفظ اسرار نظامی و امنیتی برای مصالح مملکتی، در واقعیت اقدامات محدودکننده‌ی آنها تغییری پدید نمی‌آورند. در برخی کشورها قانون‌گذاران از اطلاعات شخصی خاصی حمایت کرده‌اند، مثلاً در آمریکا مقررات حریم خصوصی درباره‌ی امور بهداشتی، اطلاعات مالی و اطلاعات کسب شده از کودکان حاکم است و از این حریم‌های هدف‌گیری شده بیشتر حمایت شده است. (نوری و نخجوانی، رضا، ۱۳۸۳، ص ۷۶)

فهرست کامل استثنائات آزادی اطلاعات باید به صورت روشن و دقیق در قانون معین شود. مؤسسات عمومی باید اطلاعات درخواستی را به متقاضیان دهند، مگر آنکه مطمئن باشند اطلاعات درخواست شده در قلمرو نظام محدود استثنائات قرار دارد. استثنائات باید بر مبنای اهداف



مشروع، پیش‌بینی شده باشد و گسترده و مبهم نباشد. البته باید توجه کرد که آزادی اطلاعات، اصل است و محدودیت‌ها، استثناء هستند. بنابراین در تعیین احکام حاکم بر رابطه‌ی بین آنها باید از قواعدی پیروی کرد که بر رابطه‌ی بین اصل و استثناء حاکم است. برای مثال، هیچ محدودیتی نمی‌تواند آزادی اطلاعات را حذف یا از محتوا تهی کند، زیرا در این صورت، رابطه‌ی بین اصل و فرع وارونه می‌شود: هیچ استثنائی نمی‌تواند از اصل خود بیشتر باشد، زیرا تخصیص اکثر، ناپسند و مردود است؛ استثناء نباید مبهم باشد، زیرا استثنای مبهم باطل است؛ استثناء باید به صورت مضیق تفسیر شود و در تعیین محتوای آن باید به قدر متیقن بسنده کرد. در میان دلایل مختلفی که معمولاً برای جلوگیری از افشای اطلاعات به کار می‌رود، می‌توان به دفاع از امنیت ملی، بهداشت عمومی، سلامتی افراد، هدایت روابط بین‌المللی، پیش‌گیری از انحراف تحقیقات مربوط به جرایم، اسرار تجاری، امتیازات قانونی، حریم خصوصی، محرمانه بودن معاملات بین‌سازمانی، محرمانه بودن اطلاعاتی که از سازمان‌های بین‌المللی دریافت می‌شود، امنیت ساختمان‌ها و سیستم‌های ارتباطی و حمل و نقل و در نهایت به مدیریت کارآمد اقتصاد اشاره کرد. (انصاری، ۱۳۸۶، صص ۵۰ و ۵۱)

در فصل چهارم قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، مصوب ۱۳۸۷، استثنائات دسترسی به اطلاعات بیان شده و قانون‌گذار اسرار دولتی و حمایت از حریم خصوصی را از استثنائات دسترسی به اطلاعات دانسته است.

#### الف - اسرار دولتی:

در ماده‌ی ۱۳ این قانون آمده است: در صورتی که درخواست خواستار اطلاعات، به اسناد و اطلاعات طبقه‌بندی شده (اسرار دولتی) مربوط باشد، مؤسسات عمومی باید از در اختیار قرار دادن آنها خودداری کنند. دسترسی به اطلاعات طبقه‌بندی شده با توجه به قوانین و مقررات خاص

خود خواهد بود.

#### ب - حمایت از حریم خصوصی:

در ماده‌ی ۱۴ بیان شده که چنانچه اطلاعات درخواست شده به حریم خصوصی اشخاص مربوط باشد و یا در زمره‌ی اطلاعاتی باشد که به نقض احکام مربوط به حریم خصوصی بینجامد، درخواست دسترسی باید رد شود. همچنین در ماده‌ی ۱۵، آمده که: مؤسسات مشمول این قانون، در صورتی که پذیرش درخواست متقاضی افشای غیرقانونی اطلاعات شخصی درباره یک شخص حقیقی ثابت باشد باید از در اختیار قرار دادن اطلاعات درخواست شده خودداری کنند، مگر آنکه:

الف - شخص ثالث و مکتوب به افشای اطلاعات خود رضایت داده باشد.

ب - شخص متقاضی، ولی یا قیم یا وکیل شخص ثالث، در حدود اختیارات خود باشد.

ج - متقاضی، یکی از مؤسسات عمومی باشد و اطلاعات درخواست شده در چارچوب قانون مستقیماً به وظایف آن، به عنوان یک مؤسسه‌ای عمومی مرتبط باشد.

#### انتشار آزاد اطلاعات:<sup>۱</sup>

یکی از عناصر مهم آزادی اطلاعات، انتشار آزاد گزارش رویدادها و نقل عقاید و اندیشه‌هاست. در میان عناصر مختلف آزادی اطلاعات تنها همین عنصر است که در ماده‌ی ۱۱ اعلامیه‌ی حقوق بشر و شهروند انقلاب کبیر فرانسه و قوانین اساسی و قوانین عادی و رویه‌های قضایی کشورهای آزادی‌گرا تضمین شده است. این عنصر، انتشار اطلاعات را، به شرط اینکه به روزنامه‌ها و سایر وسایل ارتباط جمعی انتقال یابند، از راه این وسایل، امکان پذیر می‌سازد. در نتیجه انتشار آزاد اطلاعات، پایه‌ی

1. Libre Diffusion des Informations.

آزادی اطلاع‌رسانی قرار می‌گیرد.

قانون‌گذار در ماده‌ی ۱۰ قانون آزادی اطلاعات به تکلیف به انتشار اشاره کرده و گفته است که: «هریک از مؤسسات عمومی باید جز در مواردی که اطلاعات دارای طبقه‌بندی می‌باشد، در راستای نفع عموم و حقوق شهروندی، دست کم به‌طور سالانه اطلاعات عمومی، شامل عملکرد و ترازنامه (بیلان) خود را با استفاده از امکانات رایانه‌ای و حتی الامکان در یک کتاب راهنما که از جمله می‌تواند شامل موارد زیر باشد، منتشر سازد و در صورت درخواست شهروند با اخذ هزینه تحویل دهد:

الف - اهداف، وظایف، سیاست‌ها و خط مشی‌ها و ساختار.

ب - روش‌ها و مراحل اتمام خدماتی که مستقیم به اعضای جامعه.

ج - سازوکارهای شکایت شهروندان از تصمیمات یا اقدامات آن

مؤسسه.

د - انواع و اشکال اطلاعاتی که در آن مؤسسه نگهداری می‌شود و آیین

دسترسی به آنها.

ه - اختیارات و وظایف مأموران ارشد خود.

و- تمام سازوکارها یا آیین‌هایی که به وسیله آنها اشخاص حقیقی و

حقوقی و سازمان‌های غیردولتی می‌توانند در اجرای اختیارات آن واحد

مشارکت داشته یا به نحو دیگری مؤثر واقع شوند.»

همچنین در ماده‌ی ۱۱ آمده که مصوبه و تصمیمی که موجد حق یا

تکلیف عمومی است، اسرار دولتی نیست و انتشار آنها الزامی خواهد بود.

### آزادی دریافت اطلاعات<sup>۱</sup>:

عناصر سه‌گانه‌ای که گفته شد، در صورتی که مخاطبان پیام‌های وسایل

ارتباط جمعی از آزادی انتخاب محروم باشند و نتوانند از روزنامه‌ها،

1. Libre Re caption des Informations.

مجله‌ها، برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، فیلم‌های خبری و محتواهای پایگاه‌های اطلاعاتی اینترنتی مورد علاقه‌ی خود استفاده کنند، بی نتیجه خواهند بود. به همین دلیل، نظریه‌ی آزادی‌گرایی در این زمینه تنها به مسئله‌ی عرضه‌ی اطلاعات توجه ندارد، بلکه به مسئله‌ی تقاضای آن نیز توجه کرده است. با توجه به برخی محدودیت‌های پیش‌بینی شده در قوانین، شهروندان، اطلاعات خویش را آزادانه از مطبوعات، برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، فیلم‌های خبری و پایگاه‌های اطلاعاتی الکترونیکی گوناگون، آزادانه دریافت می‌کنند.

امروزه فن‌آوری‌های جدید بر میزان توانایی نظارت و مراقبت دولت و سازمان‌های تجاری بر شهروندان و مصرف‌کنندگان افزوده‌اند. امروزه بر حرکات و سبک زندگی بیش از پیش نظارت می‌شود. فروشگاه‌های بزرگ، پایگاه داده‌هایی از مصارف غذایی ما درست می‌کنند، شرکت‌های تلفن بر ارتباط‌های ما نظارت دارند، بانک‌ها خریدها و جا و مکانی را که ما در آن هستیم، را زیر نظر دارند و سایر سازمان‌های خصوصی به پایگاه داده‌های بازاریابی‌ای دسترسی دارند که مشخصات همه‌ی ما در آن نگهداری می‌شود؛ از جمله احکام صادر شده در دادگاه‌های محلی و کدهای پستی که مشخصات محله و منطقه‌ای را که ما در آن زندگی می‌کنیم، نشان می‌دهند. پیش از این هیچ‌گاه انسان تا به این حد زیر نظر و مراقبت روش‌مندانه و سامان‌مند قرار نگرفته بود. (مک‌کی، ۱۳۸۶، ص ۲۹)

البته نباید فراموش کرد که در این باره نیز مانند موارد جست‌وجو و انتقال و انتشار آزاد اطلاعات، بین اصل آزادی اطلاعات و واقعیت‌های موجود، فاصله‌ی بزرگی هست و معمولاً دریافت آزاد برای همگان، بسیار دشوار و در بیشتر موارد ناممکن است. به ویژه که در بسیاری از نواحی جهان، به سبب شرایط نامساعد جغرافیایی و محدودیت‌های اقتصادی و سیاسی و فرهنگی، فعالیت فرستنده‌های رادیویی یا تلویزیونی و مؤسسات مطبوعاتی به راحتی ممکن نیست. به همین دلیل، آزادی اطلاعات در مرحله‌ی دریافت، با وجود به رسمیت شناخته شدن آن در برخی از قوانین

اساسی و اکثر قوانین عادی، بیش از آنکه واقعی باشد، ظاهری است.

### تفاوت آزادی اطلاعات، به مفهوم خاص آن با آزادی اطلاع‌رسانی:

عناصر چهارگانه‌ی آزادی اطلاعات نیز مانند عناصر آزادی اطلاع‌رسانی از اصول نظریه‌ی آزادی‌گرایی سرچشمه می‌گیرند. اما شکل‌گیری آنها به آسانی ممکن نیست. زیرا تأمین این‌گونه آزادی‌ها، جدا از عوامل اقتصادی و فرهنگی، بیش از آنکه به قوانین و مقررات حقوقی وابسته باشد، به خصلت‌های روحی و اخلاقی جامعه وابسته است. به عبارت دیگر، این عناصر نوعی آزادی ویژه و نو را که کمتر مقررات پذیر است، تشکیل می‌دهند. به همین دلیل، امکاناتی که رهبران حکومتی برای دادن اخبار در اختیار روزنامه‌نگاران می‌گذارند، بیش از اینکه به طبیعت نظام سیاسی کشور یا نهادهای سیاسی آن مربوط باشد، به خلیقات سیاسی جامعه و روحیات شخصی صاحبان قدرت مربوط است. در واقع، دسترسی آزاد به منابع خبری و جریان آزاد اطلاعات، به عوامل متعددی بستگی دارد که بسیاری از آنها از امکانات پیش‌نگری قانون‌گذاران و شرایط بازنگری قضات، خارج‌اند. آزادی اطلاع‌رسانی و آزادی اطلاعات هر چند هر دو با روح نظریه‌ی آزادی‌گرایی هماهنگ‌اند، اما از این نظر که تنها آزادی اطلاع‌رسانی براساس قانون اساسی شکل گرفته است، با هم تفاوت دارند. زیرا آزادی اطلاعات، که خود مجموعه‌ای از آزادی‌ها است و با گسترش روش‌های جدید ارتباطی به صورت ضرورت در آمده، هنوز در تمام قوانین اساسی، جای مناسب خود را پیدا نکرده است و تنها در برخی قوانین اساسی جدید مانند قانون اساسی جدید پرتغال، مصوب دوم آوریل ۱۹۷۶، به رسمیت شناخته شده است. در حالی که آزادی اطلاع‌رسانی، که قدیمی‌ترین مظهر آن آزادی مطبوعات است، از بیش از دو قرن پیش، در قوانین اساسی دنیا راه یافته است. (معمدنژاد، و معتمدنژاد، ۱۳۸۶، ج اول، ص ۱۷۴)



## آزادی اطلاعات در قوانین اساسی ایران:

در ایران پس از انقلاب مشروطیت که نخستین جنبش مردم سالاری و آزادی‌گرایی کشورهای شرق پیش از چین و ترکیه به شمار می‌رود، به آزادی اطلاعات و آزادی بیان و مطبوعات توجه شد و به همین دلیل در اولین قانون اساسی کشور و همچنین متمم آن، اصول ویژه‌ای برای آن در نظر گرفته شد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم که پس از پیروزی دومین انقلاب ایران تدوین و تصویب شد، اصول خاصی برای این آزادی‌ها پیش‌بینی شد، که در این قسمت از پژوهش به ترتیب به بررسی اصول مرتبط با آزادی اطلاعات و آزادی بیان و مطبوعات در قانون اساسی مشروطیت و قانون اساسی جمهوری اسلامی می‌پردازیم:

### ۱- قانون اساسی مشروطیت:

در اصل ۱۳ قانون اساسی مشروطیت، مصوب ۱۳ ذی‌قعدة ۱۳۲۴ هجری قمری، درباره‌ی آزادی اطلاعات و فعالیت مطبوعات آمده است: «تمام مذاکرات مجلس را روزنامه‌جات می‌توانند به طبع برسانند. بدون تحریف و تغییر معنی، تا عامه‌ی ناس از مباحث مذاکره و تفصیل گزارش‌ها، مطلع شوند. هرکس صلاح اندیشی در نظر داشته باشد، در روزنامه‌ی عمومی بزرگارد، تا هیچ امری از امور، در پرده و بر هیچ امری از امور، در پرده و بر هیچ کس مستور نماند. به همین دلیل عموم روزنامه‌جات، مادامی که مندرجات آنها مخل اصلی از اصول اساسیه‌ی دولت و ملت نباشد، مجاز و مختارند که مطالب مفید عام المنفعه را همچنان مذاکرات مجلس و صلاح اندیشی خلق را بر آن مذاکرات به طبع رسانیده، منتشر نمایند و اگر کسی در روزنامه جات و مطبوعات بر خلاف آنچه ذکر شده و به اغراض شخصی چیزی طبع نماید یا تهمت و افترا بزند، قانونا مورد استنطاق و محاکمه و مجازات خواهد شد.»

در متمم قانون اساسی انقلاب مشروطیت، مصوب ۲۹ شعبان ۱۳۲۵ هجری قمری، نیز به موجب اصل بیستم آن که در فصل حقوق ملت ایران

قرار گرفته بود، این آزادی‌ها به رسمیت شناخته شده بود و چنین مقرر شده بود: «عامه‌ی مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد مضره به دین مبین، آزاد و ممیزی در آنها ممنوع است، ولی هرگاه چیزی مخالف قانون مطبوعات در آنها مشاهده شود، نشر دهنده یا نویسنده، بر طبق قانون مطبوعات مجازات می‌شود. اگر نویسنده معروف و مقیم ایران باشد، ناشر و تابع و توزیع، از تعرض مصون هستند.»

لازم به یادآوری است که به موجب اصل بیست و دوم متمم قانون اساسی، بر محفوظ بودن کلیه مراسلات پستی و مصون بودن آنها از ضبط و کشف تأکید و بر اساس اصل بیست و سوم متمم یاد شده، ممنوعیت افشاء یا توقیف مخابرات تلگرافی، بدون اجازه‌ی صاحب تلگراف خاطر نشان شده بود.

در اصل ۷۹ متمم قانون اساسی هم ضرورت دادرسی جرایم مطبوعاتی با حضور هیأت منصفه به ترتیب زیر در نظر گرفته شده بود: در مورد تقصیرات سیاسی و مطبوعات، هیأت منصفین در محاکم حاضر خواهند بود.

## ۲- قانون اساسی جمهوری اسلامی:

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۲ آذر ماه ۱۳۵۸ هجری شمسی، و اصلاحات و تغییرات و متمم قانون اساسی، مصوب ۱۳۶۸، نیز به آزادی اطلاعات و آزادی بیان و مطبوعات توجه ویژه‌ای شد.

در مقدمه‌ی این قانون اساسی درباره وسایل ارتباط جمعی چنین بیان شده بود: «وسایل ارتباط جمعی (راديو - تلویزیون) بایستی در جهت روند تکاملی انقلاب اسلامی در خدمت اشاعه‌ی فرهنگ اسلامی قرار گیرد و در این زمینه از برخورد سالم اندیشه‌های متفاوت بهره جوید و از اشاعه و ترویج خصلت‌های تخریبی و ضد اسلامی جداً پرهیز کند. پیروی از اصول چنین قانونی که آزادی و کرامت ابناء بشر را سرلوحه‌ی اهداف

خود دانسته و راه رشد و تکامل انسان را می‌گشاید، بر عهده همگان است و لازم است که امت مسلمان با انتخاب مسئولین کاردان و مؤمن و نظارت مستمر بر کار آنان، به طور فعالانه در ساختن جامعه‌ی اسلامی مشارکت جویند، به امید اینکه در بنای جامعه‌ی نمونه‌ی اسلامی (اسوه) که بتواند الگو و شهیدی بر همگی مردم جهان باشد، موفق گردند: (و کذالک جعلناکم امه وسطاً لتکونوا شهداء علی الناس). (بقره، آیه‌ی ۱۴۳).

اصل سوم قانون اساسی هم دولت جمهوری اسلامی ایران را موظف کرده است که برای رسیدن به اهداف اصل دوم قانون اساسی از جمله استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته‌ی بشری و تلاش در پیشبرد آنها، نفی هرگونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری و تأمین قسط و عدل در استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی، همه امکانات خود را برای امور پیش‌بینی شده در این اصل و بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه‌ی زمینه‌ها با استفاده‌ی صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر (بند دوم)، محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی (بند ششم)، تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون (بند هفتم) و مشارکت همه‌ی مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش (بند هشتم) به کار گیرد.

در فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که به حقوق ملت اختصاص یافته است، نیز با توجه به اصول بیست و سوم، بیست و چهارم و بیست و پنجم، آزادی عقیده و بیان و مطبوعات و ممنوع بودن دخالت در آزادی مکاتبات و مخابرات، پیش‌بینی شده است.

در اصل بیست و سوم قانون اساسی، درباره ممنوع بودن تفتیش عقاید چنین آمده است: «تفتیش عقاید، ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد.» همچنین در اصل بیست و چهارم قانون اساسی درباره‌ی آزادی نشریات و مطبوعات بآمده است: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه محل به مبانی



اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می‌کند. در اصل بیست و پنجم قانون اساسی درباره‌ی ممنوع بودن دخالت در آزادی مکاتبات و مخابرات، چنین آمده است: «بازرسی و رساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و رساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس، ممنوع است، مگر به حکم قانون.»

در اصل بیست و چهارم قانون اساسی، مانند برخی از قوانین اساسی قدیم و اکثر قوانین اساسی جدید کشورها بر تأمین و تضمین آزادی مطبوعات تأکید نشده و به اعلام آن بسنده شده است اما بر اساس اصل نهم قانون اساسی که درباره‌ی لازم و ملزوم بودن آزادی و استقلال است، می‌توان به تأمین این آزادی اطمینان داشت.

در اصل نهم قانون اساسی درباره‌ی آزادی و استقلال بیان چنین آمده است: «در جمهوری اسلامی ایران، آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه‌ی دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی، به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، و نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادی‌های مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند.»

البته بعضی بر این عقیده‌اند که در نظام حقوقی ایران، با آنکه در اصل ششم قانون اساسی تصریح شده: «در جمهوری اسلامی ایران، امور کشور باید به اتکای آراء عمومی اداره شود. از راه انتخابات: انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر اینها یا از راه همه پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد» و همچنین اصل سوم قانون اساسی نیز دولت جمهوری اسلامی ایران را موظف کرده است که برای رسیدن به اهداف پیش بینی شده در اصل دوم قانون اساسی همه‌ی امکانات خود را برای شکل‌گیری مشارکت همه‌ی

مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش و ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیر ضروری به کار گیرد، هنوز حق دسترسی آزاد مردم به اسناد و مدارک و اطلاعات دولتی به رسمیت شناخته نشده است. همچنین این دسته چنین استدلال کرده‌اند که اصل هشتم قانون اساسی، که نظارت مردم بر دولت را در قالب اصل امر به معروف و نهی از منکر به رسمیت شناخته و برنامه‌های توسعه نیز که بر ایجاد و تقویت ساز و کارهای لازم برای نظارت‌های مردمی بر کار دولت تأکید کرده‌اند، به دلیل بی‌توجهی به آزادی اطلاعات، راهکارهای اجرایی مناسبی پیدا نکرده‌اند. همچنین سایر قوانین موجود در این زمینه به جای تکیه بر اصل آزادی اطلاع‌رسانی، به ممنوع بودن افشای اسناد و مدارک و اطلاعات دولتی تأکید کرده و همانند سدی بزرگ در برابر شفافیت و پاسخ‌گویی حکومت، ظاهر شده‌اند. لذا به کارگیری تدابیر حقوقی لازم برای کمک به اجرای اصول قانون اساسی و دستیابی به منافع زیادی که با کمک آزادی اطلاعات نصیب کشور می‌شود و رفع ایرادات قوانین و مقررات مربوط به اطلاعات دولتی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. (انصاری، ۱۳۸۶، صص ۶۰ و ۶۱)

اما باید گفت که روح کلی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در این باره بر تأمین و تضمین آزادی بیان و مطبوعات و انتشارات، استوار است و به همین جهت در اصل یکصد و هفتاد و پنجم درباره‌ی صدا و سیما، بر تأمین آزادی بیان و نشر افکار تأکید شده است.

در اصل ۱۷۵ قانون اساسی آمده است که: «در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد ...». در اصل شصت و نهم قانون اساسی نیز تأکید شده است که مذاکرات مجلس شورای اسلامی باید علنی باشد و گزارش کامل آن، از طریق رادیو و روزنامه‌ی رسمی برای اطلاع عموم منتشر شود... همچنین ضرورت رسیدگی به جرایم مطبوعات با حضور هیأت منصفه که در اصل یکصد و شصت و هشتم قانون اساسی جمهوری

اسلامی ایران پیش بینی شده است، نیز تضمین قضایی مهمی برای حفظ و حراست حق آزادی بیان و مطبوعات، به شمار می‌رود. در اصل ۱۶۸ قانون اساسی در این باره چنین آمده است: «رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی، علنی است و با حضور هیأت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون، بر اساس موازین اسلامی معین می‌کند.»

### نتیجه:

۱. بر اساس قانون آزادی اطلاعات، دولت از قانون‌گذار می‌خواهد که امکان دسترسی به اسناد، مدارک، و گزارش‌ها را برای مدت زمان تعیین شده فراهم سازد، که البته این حق، بی‌قید و شرط نیست؛ بلکه رعایت شرایطی برای آن پیش‌بینی شده است.

۲. در قوانین آزادی اطلاعات، معمولاً اطلاعاتی که به افشاگری مسائلی از جمله روابط خارجی، امنیت ملی، مسائل مربوط به فعالیت‌های تجاری و بازرگانی دولت، حکومت، یا اشخاص، و نیز امور شخصی افراد بینجامد، از حق دسترسی استثناء شده‌اند. چون قانون حق دسترسی مستقیم به اطلاعات رسمی را تضمین می‌کند، مردم اجازه می‌یابند که با اطلاع بیشتر، تصمیم بگیرند و در انتخاب‌ها و تصمیم‌های خود راحت‌تر عمل کنند، و به این ترتیب، به بیان حقایق تشویق شوند.

محتوای اصطلاح آزادی اطلاعات که نخستین بار در ایالات متحده آمریکا وضع شد، تا اندازه‌ای گمراه‌کننده است. شاید تصور شود منظور از این اصطلاح، آزادی دسترسی به همه‌ی انواع اطلاعات است، اما این تصور درست نیست. منظور از آزادی اطلاعات، حق دسترسی افراد به اطلاعات موجود در دستگاه‌ها و مؤسسات عمومی است.

آزادی اطلاعات، مانند آزادی مطبوعات به معنای اخص آن، فقط از آزادی انتشار اخبار و عقاید حمایت نمی‌کند، بلکه به آزادی جست‌وجو و انتقال و دریافت آنها هم توجه می‌شود. بنابراین آزادی اطلاعات، مترادف آزادی مطبوعات نیست و یکی از انواع آن نیز به شمار نمی‌رود، بلکه

شکل گسترش یافته‌ی همان مفهوم کلاسیک آزادی مطبوعات است. آزادی اطلاع‌رسانی و آزادی اطلاعات، هر چند هر دو با روح نظریه‌ی آزادی‌گرایی هماهنگ هستند، اما از این نظر که تنها آزادی اطلاع‌رسانی براساس قانون اساسی بنا شده است، با هم تفاوت دارند. زیرا آزادی اطلاعات که خود مجموعه‌ای از آزادی‌ها است و با گسترش روش‌های جدید ارتباطی به صورت ضرورت درآمده است، هنوز در تمام قوانین اساسی، جای مناسب خود را پیدا نکرده است و تنها در برخی قوانین اساسی جدید به رسمیت شناخته شده است. در حالیکه آزادی اطلاع‌رسانی که قدیمی‌ترین مظهر آن آزادی مطبوعات است، از بیش از دو قرن پیش، در قوانین اساسی دنیا بیان شده است.

در ایران، پس از انقلاب مشروطیت که نخستین جنبش مردم‌سالاری و آزادی‌گرایی کشورهای شرق، پیش از چین و ترکیه به شمار می‌رود، به آزادی اطلاعات و آزادی بیان و مطبوعات توجه شد و به همین دلیل در اولین قانون اساسی کشور و همچنین متمم آن، اصول ویژه‌ای برای آن در نظر گرفته شد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم که پس از پیروزی دومین انقلاب ایران تدوین و تصویب شد، اصول خاصی برای این آزادی‌ها پیش‌بینی شد. همچنین قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، در سال ۱۳۸۷ در مجلس شورای اسلامی تصویب شد. این قانون ۲۳ ماده و هفت تبصره دارد که در جلسه‌ی علنی روز یکشنبه، ششم بهمن ماه ۱۳۸۷، در مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در تاریخ ۳۱ مرداد ماه ۱۳۸۸، مجمع تشخیص مصلحت نظام با الحاق یک تبصره ذیل ماده‌ی ۱۰ آن را موافق با مصلحت نظام تشخیص داد.

## منابع:

۱. اربسکلاو، مایکل، جنگ اطلاعات؛ چگونه از حملات سایبری در امان باشیم، ترجمه: علی ناصری و عبدالمجید ریاضی، تهران، انتشارات دانشگاه دانشگاه عالی دفاع ملی، چاپ دوم، ۱۳۸۷.
۲. اسلامی، شیرزاد، مجموعه قوانین مالکیت‌های فکری، صنعتی، مالکیت ادبی و هنری، تهران مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۳. انصاری، باقر، حقوق ارتباط جمعی، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۶.
۴. انصاری، باقر، آزادی اطلاعات، تهران، انتشارات دادگستر، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۷.
۵. بورگمان، آلبرت، اطلاعات و واقعیت در پایان سده، ترجمه: مهبد ایرانی طلب، برگرفته از جستارهایی در رسانه، جلد اول (فناوری و رسانه)، تهران، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۸.
۶. خانی جزنی، جمال، اخلاق و فناوری اطلاعات، تهران، مرکز تحقیقات مخابرات ایران، نشر بقعه، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۵.
۷. ساروخانی، باقر، جامعه‌شناسی ارتباطات، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ بیست و سوم، ۱۳۸۸.
۸. شهریاری، حمید، اخلاق فناوری اطلاعات، قم، انتشارات دانشگاه قم، چاپ اول، بهار ۱۳۸۹.
۹. قانع، احمد علی، محدودیت‌های پیام‌رسانی در قوانین دینی بشری، قم، انتشارات بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۱۰. کازنو، ژان، جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی، ترجمه: باقر ساروخانی و منوچهر محسنی، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ نهم، ۱۳۸۷.



۱۱. لیتل جان، استیفن، نظریه‌های ارتباطات، ترجمه: سید مرتضی نوربخش و سید اکبر میر حسینی، تهران، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۸۴.

۱۲. معتمد نژاد، کاظم، حقوق مطبوعات (بررسی تطبیقی مبانی حقوقی آزادی مطبوعات و مقررات تأسیس آنها)، تهران، انتشارات دفتر مطالعه و توسعه‌ی رسانه‌ها، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۸۷.

۱۳. معتمد نژاد، کاظم و معتمد نژاد، رویا، حقوق ارتباطات، تهران، انتشارات دفتر مطالعات و توسعه‌ی رسانه‌ها، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۶.

۱۴. مک‌کی، هیو، با همکاری وندی میپلز و پال رینولدز، تحقیق در جامعه‌ی اطلاعاتی، ترجمه: رامین کریمیان، تهران، انتشارات دفتر مطالعات و توسعه‌ی رسانه‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۶.

۱۵. مولانا، حمید، اطلاعات عالمگیر و ارتباطات جهانی، ترجمه: محمد حسین برجیان، قم، انتشارات مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۷.

۱۶. نبوی، فاطمه، فتاحی، رحمت الله و تجدد، نسترن، فن‌آوری اطلاعات، ارتباطات و شبکه‌ها، استانداردها و پروتکل‌ها، تهران، انتشارات کتابدار، چاپ اول، ۱۳۸۶.

۱۷. نوری، محمد علی و نخجوانی، رضا، حقوق حمایت داده‌ها، تهران، کتابخانه‌ی گنج دانش، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۳.

۱۸. ویریلیو، پل، سرعت و اطلاعات: زنگ خطر فضای سایبر، ترجمه: غلام رضا آذری، برگرفته از جستارهایی در رسانه، جلد اول (فناوری و رسانه)، تهران، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۸.

۱۹. یورگنسون، رایکه فرانک، حقوق بشر در جامعه‌ی جهانی اطلاعات، ترجمه: بهرام مستقیمی، تهران، انتشارات کمیسیون حقوق بشر اسلامی، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۶.

